

کوشش نامتقرب

بخشداران نواحی مرزی

اگر دولت بخواهد در اوضاع اسفناک ساکنین نواحی مرزی تغییرات اصلاحی محسوس داده شود باید منتقدین آرا از مامورین عالی رتبه و درستکار و هدبر و وارد به سیاست انتخاب نماید

مامورین با سازمان‌هایی که در تحت سرپرستی داشته‌اند قادر انجام خدمتی نبوده و نتوانسته‌اند کوچکترین تغییری در اوضاع بدهند.

ولی اگر دولت ما توجه بیشتری میکرد و سوراخ میخواستند اداره مسکن رومی میانی صحیحی باشد حق این بود که به تنهایی دست و جیبش انکفا ننموده بلکه خصوصیات هر ناحیه را در نظر گرفته و اگر در این خصوصیات نکات مهمی میبودند آن نکات مهمل را هم به واحد‌های مست و جهت افزوده و به سیاست‌های آن بر اهمیت این نواحی بیافزودند تا در نتیجه ای که سازمان‌هایی که واقفانستاب با هر اقله اساسی هر ناحیه باشد بوجود آید و به تناسب آن مامورین مسئول انتخاب گردند.

مثلاً سالهاست روایت‌ها را که بخش میانه‌دهد و اگر چه بیجوع سکنه این دو بخش و توابع آن جنبی را در حدود دویست هزار نفر سرشمیر میگرد و دست‌شاکشی هم قابل ملاحظه بود و اهمیت سیاسی هم شایان توجه میباشد مدتها طول کشید تا دولت آلبسرا را شهرستان شناخت و فرمانداری برایش انتخاب نمود. اگر چه وضع این شهرستان چندی بهیچوجه رعایت بخش نیست و در سازمان آن هنوز نظیر هیچ جزئیتر نام بخشدار به فرماندار داده نشده ولی افتلا این قدم برداشته شده که نام شهرستان بآن داده شود تا بعدها مثل یک شهرستان تشکیل داده شود.

این عدل بینی شهرستان نمودن در بخش اگر در ناحیه ای مثل سنز و مانه عدلی باشد نمیتوان برای هر بخش عدلی را نظیر آرا انجام داد بینی دو بخش را یکی کرده بگویند شهرستان است و فرمانداری برایش برانسته پس بجای اینکه دنبال کلاه قانونی ساختن برویم بهتر است فکری اساسی بکنیم بینی راهمی بیاییم که بتوابع هم بینی نواحی که از لحاظ وسعت خاک و جمعیت یک بخش بیش نیست ولی اهمیت سیاسی آن از یک شهرستان هم بیشتر است مامورینی داشته باشیم که بتوانند سیاست منطقه و سنتی از سیاست صومئ مسکنی را بشنود و شایسته‌ای بپوشانند.

افزاد مامورین کوچک باین نواحی دردی را دوا نمیکنند مثلا وضع مرزبان یا اورامان که از بخش‌های مهم سرحدی کردستان هستند با نبودن نماینده

اهمیت نواحی مرزی و بخصوص مرزهای مشترک نشین و نقاطی که دارای اهمیت سیاسی خاصی هستند بطور کلی مورد بحث قرار گرفته و جانبی نیست که بلازم امروز در این باب توضیحات دیگری داده شود.

زمانداران مرکزی و عدلی هم تا اندازه‌ای که لازم است با اهمیت این نقاط سر برده و میداندند که باید برخلاف گذشته توجه بیشتری بذول و اردن داد بیکر حال و هوای نواحی مرزبان و مرزبان که زاید مساحه و ولایتی است برای این نواحی ریخته نشود.

اگر چه نواحی معتدله مرزی ایران در پاره جهات با هم شباهت دارند ولی هر بینی نواحی خصوصیات و موهبت‌های خود دارد که بر اهمیت آنها بی‌التیاز. از جمله نواحی مهم سرحدی قسمت‌های غربی کردستان است که هیچکس نمیتواند منکر اهمیت سیاسی خاص و فزون‌آمده آن باشد. بنابراین اقدام در این نواحی باید با نهایت دقت و وطن‌شناسی و برانده بینی بوده که کاملاً و از هر جنبه مورد مطالعه قرار گرفته باشد.

چندین بار تا بحال پناهندگان نواحی پیش آمده که ما در پاره انتخاب مامورین کردستان اظهار نظر کنیم اکنون نیز پس از مدتها که بخشی از این بخش‌های سرحدی بدون سرپرست کشوری بینی بدون نماینده و وزارت کشور بوده و تازه مامورینی بآنها کسب کرده‌اند لازم میدانیم در دیال عدان نظریات سابق مطالبی برای جلب توجه دولت و زمانداران عدلی بیان کنیم.

اختیار بزرگی که تا بحال در اداره امور این نواحی سرحدی از طرف دولت‌های گذشته روی داده این بوده است که با توجه به قانون تقسیمات کشوری و اهمیت هر ناحیه را وسعت و تعداد سکنه آن قرار داده‌اند بینی برای یک ناحیه کم‌روست اهمیت کم و به نسبتی که بر وسعت افزوده شده اهمیت بیشتر نائل شده‌اند و همین واحد‌های مست و جمعیت را هم در شرط اساسی سازمان‌های اداری و انتخاب مامورین آن در نظر گرفته‌اند. نتیجه چه شده!

هیچ‌باین گفته که برای این نواحی همیشه مامورین کوچک اعزام داشته‌اند و سازمان‌های اداری آن هم بسیار کوچک و بی‌اهمیت بوده بطوریکه هیچگاه این

نوشته پریشان

درد دل پیرو مرد مسافر

مصدق که بیایند ناراحت میشوند و سرعاً میخورند خواسته‌اند قدری صبر کنند تا هوای خوب شود آفت زحمت را برای راهی رای امان بیابند.

من این را من باید شوخی بکنم ولی او جدی گرفت و خنده گفت ای بابا معلوم است چند سال است کردستان تشرب لب پیاورده‌اید و خیال میکنید آنجا هم طهران است کی بلگر سلامت و راحت رعیت است هر وقت بخواهند آهارامی آورند و رای میدهند بقیه من هر چه زودتر کفک این انتخابات را بکنند بهتر است

از وضع غیر وقت اجناس و وضع شهرداری پرسیدم گفت آنا بد شنیده‌اید آقای احمدزاده اسلک دوباره شهردار شده گفتنم بطور ... گفت مردم میگونی او هم میخراس اسلک و گیل بشود ولی برای اینکه سرودما کمتر باشد او را نشی کرده‌اند دوباره رئیس شهرداری بشود و شما نفوذ شهریه را هم برای انتخابات حاضر کنید. گفتنم این فکر حایله بوده ولی بگویند مردم از شهردار شدن او چه میگویند گفت مقصودتان از مردم چیست! اگر کسی است چه او باشد چه دیگری شهرداری باج‌سیل را می‌گیرد و آنا آزادانه هر چه بخواهد می‌کنند، اگر هم طینه اعیان است که آنا می‌بندد این جور چیزهایستند اگر هم نظیر و بیچاره‌اند که در هیچ حسابی منظور نیستند و از این سده دست هم بگذاریم دیگر کسی نی‌ماند بقیه در صفحه ۵

دربور مسافری از مستند آمده بود که حامل سوغاتی از طرف بیکر از کردستان درین برای من بود. من ضمن اینکه کاغذی را که پس از سالها دوستم پس نوشته بود و از اقام جوانی و شکار یاد کرده بود میخواندم خوب دقت میکردم که به پیشم خبر از ذکر غیر اقام گذشته از حال و بنا استقبال هم چیزی دارد یا نه. نامه به آخر رسید و دوست من همچنان در اول وصف اقام جوانی بود.

از همان تازه وارد بینی مسافری رسیدم خوب حال و احوال ولایت چه بود گفت هر چه باشد لایه در کاغذ نوشته شده گفتنم در کاغذ اقام گذشته صحبت است و من میخوانم از حال هم خبری داده باشم گفت خبر لایه نیست! مردم از انتخابات همه‌اش حرف می‌زنند. گفتنم خوب چه میگویند! گفتنم اسم این را آن را می‌برند و چسکی سابق بینی ما علان نشان می‌دهند و کتب کاری میکنند. ولی هیچکس نمیداند چرا انتخابات شروع نشود. گفتنم خایسه چون می‌آورد است و مردم از دعوات نا

و از دست کشور بینی بخشدار و با بودن یک بخشدار کوچک فقط این در نظر او را دارد که اولاً بولی بنام بخشدار و سازمان آن از کیه دولت وقت تا باین مردم هم از تصمیمات این سازمان که چه در دست و زحمت برای آنها نمی‌دارد قدری هم بر ناراضیانشان افزوده میگردد پس بنا بر این لیست چنین سازمانی اولی تر از وجودش میباشد بینی هر شرح بیش از دفع است.

هر سازمانی را مقتضیات و موهبت‌های وجود می‌آورد باید دید مقتضیات بینی های سرحدی چیست و چه چیزهایی برای آنها ضرورت است.

امروز در درجه اول برای نواحی سرحدی کردستان، ایجاد حلاله شده بدولت مرکزی و رولع ظلم و تعدی و کوشش دوجهران و آبادی و توسعه فرهنگ و بهداشت لازم است.

در این نواحی که مجاور هم خاک با کردستان عراق است حلیات و برانام دولت باید بطوری باشد که وضع ساکنین آن بهر از حسابان باشد تا هیچگاه آنها هوس جلای وطن نکرده بخساک کشور مجاور روی آور نکرده بلکه بالعکس باید ضوری عدل کرد که آن فرزندان که در حقیقت نالایان گذشته خاک وطن را ترک کرده‌اند با عشق و علاقه بیشتری مراجعت کنند و این نواحی سرحدی ما را آباد نمایند.

اساس اداره امور نواحی سرحدی کردستان باید روی سیاست باشد زور

بنابر این لیست کن و در وقت کشور باید مردان سیاسی و کاروان باشند. از یک مامور کوچک باید تا اندازه‌ای که بتواند کاری انجام و بحال مردم در مسکن مدیه باشد (بهر استیاده و دولومات و کاروانی کاملی ندارد پس باید از این راه که سالها رفتن‌اند و بیجه نکرده‌اند بینی استفاده از مامورین کوچک برای اداره نواحی سرحدی گذاشت و متوجه این شد که از وجود مامورین مطلع و عدلی رتبه استفاده نکرده ایتم بیشتر چندان مشکل نرسد باید دید دیگران که سالها آزما میشوند و دنیا را اداره میکنند و بر همه آفامی میشوند در حالت مشابهی چه کرده‌اند ما هم آن راه را انتخاب کنیم.

در پایان اضافه مینویسم که برای اجرای نظریه فون طرح مدیدی تهیه شده که بواسطه استخراج اصول آلام فلذا از فکر آن خودداری مینمایم ولی انتظار داریم فرماندهار معترم کردستان هم در پاره تکراتی که فوق‌آمده نظریات خود را بوزارت کشور اعلام دارند.

تفسیر تحولات سیاسی

وینا و ایران در بنفشه گذشته

آیا یونان محیط خوبی برای آغاز جنگ جهانی سوم خواهد بود

یونان در اروپا واقع شده است در جنوب شبه جزیره بالکان که در این روزها شاهد بزرگترین تحولات تاریخ می باشد با یوگوسلاوی سرزمین قیصر و بلغارستان و ترکیه همسایه است ، رودهای کوتاه و همبانی یکی از مشخصات سرزمین زیبا و فریبنده یونان می باشد یونان هر مرکز زندگی میبکشد شاکش در کنار معرین با روت جیش در زیر پای دستان خودی و بیگانه قرار گرفته است ، در دامت قله های که از برف و صفا به بیندگان چشمک می زند مطنه و اسارت های جورور با استفاده و برای انقلاب فریاد می زند ، زینون دولت صانع و آزادی بر فراز سرفه های رنگین گرم های آن می رویه و برون های بی شمار فوتون و سراسر خراب با تنوع بی شماری بوجود می آید یونان سرزمین خدایان و زلیخاها از ماهیهای فول آسا مثلار بوده و از کارخانه های مکتوب و برودید - زار است ، بندر پیره بزرگترین بندر یونان و در مقابل آن پایتخت این کشور تیس قرار دارد یونان بیش از ۷ میلیون جمعیت دارد ، یونانیهای خوش سلیقه و تاجر در تمام شهرهای بزرگ عالم مسافران خانه های پر شکوه و فریبنده دارند ، ساند تیس او پس از هزاران سال هنوز بر پا ایستاده و حرم آنها با هوای سرد و تاریکی آمیخته است

مطالعه وضع اقتصادی و طبیعی و سیاسی یونان به بهترین وجهی نشان می دهد که موجب محرک فروز ملی شده این ملت تاریخی بر بنیای حوامل است که روز بروز قید نیرومندتر میگردند فاشیسم از روز اول می نمود که روابط خود را با یونان یکی نمود و یونان را برای خود حفظ کند ولی یونانیها کول فاشیسم آلمان و ایتالیا را نفورند بلکه بر علیه امپراطوری بریتانیا نیز ترقه حلم نودند اما سرانجام پس از آنکه هیتلر و شون فاتح آلمانی فتنه اروپا را تهنیه دادند ییتو موسولینی نیز برای تجدید خاطر ات اویسها و برای اسیس امپراطوری فاشیسم روم سوی یونان حمله برد اما دل های ذیفته هیتلر و تله های بر برف یونان بسکال ورا بنود مشغول داشته تا اینکه هیتلر به نیروهای شگرف خود فرمان حمله به یونان داد و بدین است نتیجه این حمله عظیم ییش از وقت معلوم بود که چه باید باشد

هفته پیش در ایران ماجه گذشت بطور می توان در صحنه انتخابات و امیتی که در سر نوحه آینه ما دارد خاموش بود ، ایران در آغاز دوره جدیدی ترق و دارد دوره جدید مشغول از مناظر گوناگون و جانسوز ، فراز و نشیب و زیر و بم های متضاد استعالمه و تملات بوده و مجولی از شکرترین حوادث تاریخی خواهد بود

این دوره جدید آینه و نشانه های شگرفی را در دل خود نگاشته و پاس این همه شکستی ها است که ملت ما باید از آینه های که تحولات سیاسی جهان در پیش پای او گذاشته است بیخواسن استفاده نماید

مثنای صحت دوره جدید را بدون توجه به چگونگی انتخابات تهران و شهرستانها ، لیقوان استیضاح نسوه ، آواز و انجام انتخابات و فعالیت که در این راه میشود تا عناصر همجنس یولو به پولوی هم در مجلس آینه ترقا گیرند پا به پیشین وجهی فرصت می دهند که بحقیقت مجلس آینه بی بریم

در تهران خبری نیست تهران نیز نظیر شهرستانهای دیگر می تواند اضطراب و تشویش دل های پر هور را تسکین دهد و این به معیت عطشی است تهران خیره و خاموش و بیقید و آوازشان داد که شوخی انتخابات و فریاد سرورمین در سرورستی او سر سوزنی آینه نداد ، تملات حیات و آرزو و امیدها خواب آلوده ولی با قدرت بیانشی همچنان آرزو خاموش یا برجا مانده است

نمایندگان تهران و سایر شهرهای دیگر که کارگران بر اثر شکایت خود از شورای معده مرکزی کارگران ایران برای احقاق حق و رسیدگی به اوضاع قیصر و تاریک نفسی تهران وارد شده و در وقت پیش روزنامه های تهران از بیست و نهمین سال تا بیست و هشتاد سال که ملت شوروی را به هدف عالی و شکر می سون داده است بنگدل و بگر بان تشجیه کردند

دنیای هفته

نمایشی از تحولات سیاسی جهان

چگونه رویای هندوستان آزاد عملی شد ؟

بیش از پنکترن است که لیروی امپراطوری بریغایا بر هندوستان اسیر حکومت می کند و در تمام طول این مدت فیر صحبت از استقلال هندوستان بوده است .

موضوع استقلال و آزادی هندوهای قیصر روز پرونده و سابقه تاریخی مفصلی دارد ، رمزی مکتوباته نصت وزیر کار گری انگلیس که پس از جنگ بین المللی اول ۱۸۵-۱۹۱۴ روی کار آمده تقریبا در سال ۱۹۲۷ پیش در مقلع بروز خطرات داخلی و خارجی چینه نظیر دوران که اکنون امپراتوری بریتانیا گرفتار است ، این طور اعلام نمود که :

« تصور می کنم دیگر آن روز فرا رسیده است که تمام برادران ما در حه و لحاظ هندوستان مانند افریقای جنوبی در مستعمرات بریتانیا می تواند امور

خود را با کمال خوبی اداره کنند ما خود در امر می دانیم که برای حل شدن این داملاخ هر قدر می توانیم از مساعدت و کمک دریغ نکنیم

البته این ایده هرگز عملی نشد زیرا قدرت واهی و اختیار در دست بریتانیا بود ولی از آن موقع تا کنون این فرمول چنانا و بیسان لمن بیست سال پیش ولی با جلوه های گوناگون باز بگر می گردد و اکنون نیز مستر اتلی نصت وزیر کار گری بریتانیا نیز همان سخنان قدیمی را تکرار نموده و اعلام می کند که :

اگر تا روز ۱۹۴۸ میلادی هندی ها نتوانستند تمام امور خود را بدست بگیرند دولت انگلستان جیرا تمام امور هندوستان را به آنها تفویض خواهد کرد

از اینجاست نتیجه می شود که چقدر این کتله ها بهم چسبیده است و با وجود نشانی که از لحاظ تجدید تاریخ مشاهده میشود وحدت هدف بیهوشی معلوم خواهد گردید

پس از ارجاع قضیه فلسطین

به شورای امنیت

مستر بوین وزیر امور خارجه بریتانیا در مجلس شورای عامه انگلیس اعلام نمود که قضیه فلسطین به سازمان ملل منتقل ارجاع شد که اولاد دهری یهودی ها یعنی بر اینکه با هستی فلسطین یک کشور یهودی گردد باید تأیید کرد یا نه دوم دهری اعراب یعنی بر اینکه با هستی فلسطین یک کشور عربی بوده و سخنان مقرراتی برای تأمین حقوق یهودی ها داشته باشد قبول نمود پاته سوم این که فلسطین باید کشوری بشود که در آن منابع هر دو جامعه یعنی الاکان تبادل و توازن داشته باشد در سخنان اخیر :

مسئله فلسطین به سازمان ملل منتقل رجوع شد و مشخص است که سازمان ملل نیز از لحاظ نظریه ایسی تابع نظریه کلی پلوت آنگلو آفریکن خواهد بود و از این نتیجه می شود که برای قضیه حل مسئله فلسطین یا معده میز گردی تشکیل خواهد شد یا هستی از نمایندگان امریکا و انگلیس و شوروی مامور حل نشی خواهند شد . گر چه هنوز مسئله طرح نشده است ولی می شود پیش پیش کرد که این حدس نطسی است .

گفته و او

بوین در پیرامون سیاست خارجی بریتانیا صحبت نمود . لبره های داخلی بین نیروهای چپ ادامه دارد و کمونیست ها پیشروی نموده اند .

پیشوایان نازی همه دیواله بودند روز های که پیشروان حکومت نازی مورد فرورح بینوا حلقه زده و پیشی خود و برای خود فتنه د نظم نوبن میکشیدند . بزشکان جهان کسی تردید داشتند که آیا این مسجون جنگ و انادیدوانه هسته با غیر ؟

این نظر همین طور باقی بود و کسی هم چندان به آن ایمانی نداشت تا اینکه چندی پیش که دکتر لی وزیر کار آلمان روز دهم نور برك خود کشی کرد . نووا امریکاییهای موانع شناسی

از این نوست استفاده کرده و متراپن نازی بیچاره را در آرزو و در (نورمول) قرار داده و برای (پرورسور وپ) که مدعی دیوانگی نازیها بود فرستاده بعضی رسیدن این ارمغان عجیب موسسه با نولوزی نظام و اختنگن با سرعت عجیبی در آرمایشگاههای غیره گشته خود شروع به تحقیقات علمی نموده و بالاخره در نتیجه وسعت زیاد معلوم شد که در بله . مرحوم بوین لی نیز نظیر پیشوا دیوانه بوده است

پسرخدا روز های یکشنبه چه می کند

شیطان هم از دست شیرنگاران امریکایی راحت نیست بیچاره هر میتر امپراطور از این الملت اولیات میجوواسه ساعتها به پرنشاهی بیسرونه نماینده کان مطبوعات پاسخ دهد .

شیرنگار تانیم که بیشتر از هر کسی سر بر سر هر وقت میگذازد و بگرووز یکفتمه تا وقت مراسم امپراطور بوده مشاهدات خود را اینطور نقل میکند .

امپراطور پس از صرف صبحانه و پات گردش مختصر در لایراوارسیون شناسی خود مشغول کار میشود و مسولا چند ساعتی هم به گفتاری خود را دستنول می کند نهار روز یکشنبه خود را با تمام خانواده سلطنتی میل می نماید و پس از صرف نهار به بیانوشون کوچیکه خود «ناینگاکو» گوش میدهد و بیشترین دقایق زندگی او هنگامی است که با او ۱۱ ماعه خود «نوبوتینکو» بازی می کند .

آیزلهاور تسلیم شد !!

آیزلهاور فاتح معروف که حه جهان به بیوغ نظامی او معروفند و بوقل خودش تا امروز در هیچ نبرد هفت نفسی نگردیده چنه ماه پیش برای اولین بار در مومع مشغول به کنگره اتقانی برایش افتاد که میجوورا عقب نشینی کرد و تسلیم شد .

میدانید این چه مومس بود ، عظمتا غیر . زیرا شما هم انتظار دارید بهلمید که آیزلهاور در برابر حمله و هجوم چند نفر غلام که سراغ شوهرهای خود را که هنوز در آلمان هستند از او می گرفتند او آیزلهاور با آن همه بیوغ نظامی و استراتژی معسوس خود ناچار به گوشه پناهنده شد و سخنان قول داد که فرم و زودتر شوهرهای این خانها را به امریکارگرداند تا مبادا خدای نکرده سر باز های جنگی و مسر آلمانی برای خود اختیار بکنند

روزنامه خاور

روزنامه خاور صبح های دو قننه و پنجشنبه با مطالب اجناسی - سیاسی انتقادی و تفریحی منتشر میشود . از خواندن آن لذت فرمایید . آم

اسرار بارزان از چاپ

خارج و در کتابفروشی

ها و دفتر روزنامه

کوهستان بفروش می

رسد

تاریخ وریشه نژاد گرو

(۱۰)

در شب «تولدان» در کردستان ترکیه خواه سمان و خواه صبیحی سی چوب های ضخیم و خشکی که از ابتدا برای آن مراسم تهیه میبندند به نالت و بازو زدن چراغ آلوده کرده و در آن میبندند و حالیکه سردیگر چوب را در دست گرفته دو پشت بام خانه خود و یا در لاط مرتفع میچرخاند ضمناً مقداره چوب خشک دیگر را قلندوار روی یکدیگر چیده آتش میزند بصورتی که خاکستر آن وسط ستون چوبها برود.

از موضوع روشن کردن این آتش یک واقعه تاریخی گرد بیامد.

در عهد حکومت مروان ایل نوروک زبلان در منطقه دیسار یکسر سکونت داشته (منزل هم قریبای نیا زبلان در حوالی میلوان وجود دارد) حکام مروان هفت ساله با جبل نرف آن منطقه آمده باج میگرداند برای اینکه چند نسی هم خوش گذرانی کرده باشند چهل زن از ایل میخواستند. دفعه آخر رئیس ایل که خدا پان را جمع کرده با پاشان میگوید امروز حاکم مروان با چهل سوار وارد ایل شده چهل زن از ما خواهد خواست اگر بدیم بی ناموسی کرده او گرفته ایم کنته خواهیم شد از شما متوال مینمایم چه باید کرد، صوما جواب میدهند هر وی رئیس بدعهدمان را اجرا خواهیم کرد.

رئیس ایل میگوید عقیده من اینست اسبق حاکم و دیاران مروان را کنته از این محل کوچ کنیم برای این کار در سین ورود حاکم خود حاکم را بسترل خود دعوت میکنیم سواران را هم شما بهان خود تقسیم کرده بسترل خود میرید.

من هنگام شب سه لعاف را روغن چراغ ریخته بلا صله روی پشت بام خانه خود روشن میکنم لعاف اول که آتش گرفت هر کس میماند خود را بکنته آتش لعاف دوم که بلند شد شروع به بار کردن نماید آتش لعاف سوم که روشن شد بدینال کوچ من براه یفتی. همین کار را میکنند و پس از اینکه چند مرتبه محل سکونت خود را تغییر میدهند بالاخره در حوالی آزارات مسکن میکنند.

در حین گفتن، حاکم مروان به ایبار آذوقه منزلت رئیس ایل فرستاد میکند ولی دو آتجا گرفتار شده بختل میرسد. ایبار آذوقه چادر نقیان را بران کردی «کولین» میگوید و از این جهنم ایل رئیس آن ایل پس از این واقعه به «کولین» بخون» مطبوع میگردد. بیه نظر میرسد که فریدون هم برای از میان بردن دشمنان مذککرت منی مشابه عمل زبلان را انجام داده باشد که نسلزودن گرد و بر خیزیدن آتش یادگار آن جشن بیروزی مانده باشد.

زدشتی ماروز دهم بیسن ماه هنگام غروب آفتاب یک آتش بروت افروخته جشن میگردد. این جشن سه نام دارد.

عقیده پارسیان قدیم این است که در این روز هوشک آتش را بیدار کرده و باز هم آن روز بوده است که فریدون گرد بر شعله پروز شده است.

میان تاریخ جشن زدشتی ها و جشن

اول دان تقریباً یکماه تفاوت و نسبت با این سخن که کردها مستقلاً و جشن انتقام گرفتن، میگویند در حالیکه زدشتی ها جشن بیداشتن آتش از طرف هوشک (زدشتی) که با پروزی میبود گرد مصادف شده میداند. با این حال عقیده دیگری هم دارند و آن این است که بناسبت آخرین چینه بزرگ میگویند با این آتش دنیا گرم خواهد شد.

فرودسی در حق نسب فریدون از دهان مادرش میگوید: توینناسی از مرز ایران زمین یکی مرد بود نام او آبتین ز نعم کیان بود و پیدار بود غرور مند گرد و آزار بود ز طهورت کرد پوش نژاد

پدر پدر بر همه داشت یاد در اوستا نام فریدون «ترائون» و در «دودا» «ترائی» و در آثار پهلوی «فریون» قید شده است اوستا وطن فریدون را «اور» نشان میدهد که مورخین دینان کیم می شناسند در این صورت می بینیم با افسانه های شاهنامه مقبری پیدا می شود در ایل دیلان گیلان سرحد ایران بود است. در نام مکان «فریون» است. اتورپادگان (ماد کوچک) را «دور» می خوانند که شباعت به «دورن» دارد زدشت یشهر را به منوچهر نوه فریدون میرساند مسلط الرایش شمال رهایی امروز بوده است که به «دورن» بنگه به دورا یعنی نه به دیلان گیلان بلکه به دیلان کرد نشین آذربایجان بودگی دارد

اسما نمیتوان فریون پهلوی را با «ترائی» که «دور» نام برده شده تطبیق نموده زیرا «دور» خیلی ندرتتر از آن است که با عهد فریدون مقابله شود

اطلاعات زیر شاکلی که تا بحال بدست آمده و مربوط به دور «آجوری» ها می باشد شخص بی پاک ستوری مانند فریدون را با هم فرنگ کرده است مگر نام «فروروش» پادشاه ماد.

در واقع اولاً نصیحت کسی که قدرت و نفوذ آشور را از منطقه زاگروس بر انداخته و حتی سلطت آشور هم حمله برده و با اشغال «پارسوا» ایران را دستخوش ساخته «فروروش» بوده که ملیتاش شبه حرکاتی است که به فریدون نسبت میدهند. و در حقیقت هم پس از عهد فروروش دست خارجیان به کنای ایران کوتاه شده است.

تایه موخین غرب فریدون را «آویس» نام گذارده اند و از نام ماد میداند و فتح نیا را به اوست می دهند.

این واقعه مهم تاریخی چنی فتح نینوا بدست «هوشتر» و بر فروروش انجام یافته است. چون فروروش را «هوشتر» لقب میداده اند اشیاء از اشیاء ناهی است.

نالتیو ناپها فروروش را «فراوت»

بگم آقای آزاد بود یک خواهش دوستانه از دانشجویان محترم گرد

ما اثری مترتب میباشد. بگذارد روزنامه کوهستان که همیشه با بی طرفی خدمت اجناسی و انجام میدهد است چو لنگاه نوشته های خصوصی قرار نگیرد. زیرا با ابراز خورنده از اینکه برای دوره پاردم انتقادات مجلس بر عکس سایر ادوار روزنامه کوهستان دو اختیار نظرات انتقاداتی فراموشی کرد و قضایای مزبور را تا آنجا که وظیفه اجازه دهد در این جریده نیز بپوشد و ابراز عقیده مبد نماید.

بنابر آنچه که مذکور افتاد و بدون حمله بقتضی یا اشخاص و یا تحریف و مداعت بی مورد از معرفی کردن کاتبه های خود کوتاهی ننمایند و این جمله را هم با ملاحظه داشته باشند که کردستان فقط با نوشته نآباد شده و نه رو به آبادی میرود و برای اینکه از نوشته های خود اثر مثبتی بگردد حتی الاسکان چیزهایی منوم فرماید که حقیقت سلسله افشان دهد و با وجود حلی را که انجام میشود و خواهد شد بی مردم عرضه بداریه و از هیچ حل انجام شده صحبتی بیان نیاورید

تا ایمن مردم را بخود جلب فرمایند و بالاخره سعی فرمایند که نوشته های خود را از جنبه خودی و شخصی خارج کرده و مانده «نویسنده» توانای متون سیاسی روزنامه کوهستان مطالب مهم دیگری را تشریح فرمایند زیرا وظیفه شاست که با نزدیک کامل به دستگاه های کسب غیر مقاله مهم و پند روز منوم فرمایند و پاسسی کتب مانده نویسنده خوش قریحه و داوری مثل «پرشان» جزئیات آنها را تا آنجا که با دور اندیشی ادبانه اجازه میدهند توجیه و تحلیل نمایند و بنام ارفغان مرکز برای هم شهریه های گرام ارسال دارند.

در خانه باید عرض کنم هر فرد یا دسه ام از هر طبقه یا اجتماعی که باشد هرگاه نظر فردی و مطامع شخص را کنار بگذارد و از لحاظ دلسوزی و تاثیر به حال کردستان صحبت کند، نقد نماید، و پیشنهادها و با صلح کند گفتار و کردار او بر ما گوارا و پسنده است ولی هرگاه خدای نا کرده خصوصیات که دستها با افرادی را و ادار با همکاس عقاید خصوصی خود بنماید و هر تپ و چسی برای بیان نظریاتی خاص از برخ کشیدن هرگونه مرقبت یا صلاحیتی در بخ نشاید یا کمال ناسف مردم چشم بوم گذاشت ناپارندتنی نمایند و بگویند مصالحی اقدامات و اصلاحات تصوری که ادا جنبه حل یهود نگرفت است و مردم از آن طرفی بیستاد نی توانه حقایق مشکوف را که از خاطر مردمان خوش باور کردستان ببرد و نور درخشنده (اگر موجود باشد) حاجت به معرفی نیست زیرا در هر حرف دستای ذم و تبع دست دیگر مستقر نیست و رجحان فردی ارادی دلیل بر عدم تاثیر خود یا افراد دیگر نخواهد بود زیرا، اجبات ششی دلیل نقلی مانده ایست.

اسکاس نوشته های آقایان امرا از نامه ها یک بنوان اتحادیه یا منفردا اخیرا در کوهستان درج میشود هر کدام بر دم خواننده گان کردستانی تفسیر خاص دارد که عوامی لغوامی مقالات مرد و نیب خالی از خالی نی یافته و بخاطر مصالح نام و تمام ما مقیمان مستند دست بگم برده نموده است بلکه هر کدام برای توجه نوشته های خود و خوش آینه خود یا جسی چیزی نگاشته اند.

من از همان مقاله اولی که در مورد انتقادات نوشته بودم سر خورده و صلاح را در نظاره دهم زیرا قطع مستم و فردی سرایتوشن و اداری می کرده و لیکن در مطالعه نامه های موجود خانه در موعن حساسی که کردستان او آسفاته انتقادات است رنگ و بوی فلان و نقره بشکل روشن از آن پیشتر دیده میشود و پشام میرسد و باید بگویم نقلی از آن یا نی رسد.

بیا بید به نظر کردستان حور، زاد گاه کسرامی خود و مدفن یا کالان بردگواران از این قبیل نوشته های نه و نقی خود داری فرمایند و مصلحت کوهستان را که باید بر آن مطالب مفید و سودمند اجتناب نمکی گردد و درد های بی پایان مارا نتواند مفید باشد باین گونه مجادلات نقلی مخصوص نکند چتر بر اهما جای ناسف و ناتر است که دانشجویان عزیز مان نیز خود را سبب و دامن زن اختلاف نشان دهند من قصد داشتم که برای همیشه بی طرف و بی نظر باشم لیکن علاوه از اینکه شخصاً از مطالب پستی مطالب متاثر و بازه از نوشته ها را مطابق با حقیقت نی دیدم حده زیادی به ذکر اثرات سوء این نوشته ها را بین میادند و بحکم آنکه یکی از نزدیکان مادن و بنظر کوهستان حتم ناچارم با کمال حسرت عرض کنم و بدون اینکه ظریفین بامن سر می جبری داشته باشند تقاضای کوچکی ارادتمندانه امرا ابرو فرمایند.

اول از جناب آذلی «کنز اردلان» اصحابی عدم درج این قبیل مقالات را نموده و از فرد نویسنده گان یو خواهش می کنم بنظر لطیفی که همگی نیست به بنده دارند و میداند این مطالب را که می نویسم کاملاً از روی چترشی است چیزی در این موارد نویسنده را می خواهم بگویم که از این قبیل نوشته

مخبراند که بی شباعت به فریدون نیست. اگر این حدس صحیح نباشد بجای اینکه فریدون چهره و سالی را گروس باشد باید او را از اصفاء آنها دانست.

مورخ «کنز یاس» که ۱۰ سال قبل از میلاد به دیوار ایران آمده و بر خشک ارفد بر دوم بود فریدون را «داربا کیر» نام داده و اولین پادشاه ماد معرفی مینماید و نام دهم پادشاه ماد را نیز برده مدت سلطنت آنها را تقریباً ۱۳۶۰ اشاره میکند. شاهنامه هم از فریدون تا کی قیاد نام هش پادشاه را برده و از کی قیاد تا کی خسرو چهار پادشاه دیگر است که جماده پادشاه میشود بنابر این تعدا پادشاه کنز یاس با تعدا کی شاهنامه ذکر نموده مطابقت دارد

توقیفنامه گوهستان

یا آرزوی مرتجعین سقز

چون در سخن موافقت و دلبری بود
 کو گوهر است و گو صدف ادرمان مباحش

ادبش نیست مرتجع آرزوی برتری بود
 (در بیت) را همه کس مشتری بود
 (تخریب شعر سعدی)

مرتجعین سقز از پیش آمده اخیر
 آذربایجان و رفتن نیروی ارتش به بیاید
 فوق العاده سوه استفاده برده و باهتتاب
 و دستبرد هر چه نامش مشغولند که طبقه
 از جوانان روشن فکر اینجا که بیچاره
 ها از همه چیز و همه جا بلبیر و در
 اقلیت و افتد به تهمت اتصاب و تهاب
 حیزب دمکرات کردستان و غیره و تمام
 بر علیه دولت ترساییده و با انواع وسایس
 و تهدیدات و تهریبات در صدد خلع نمودن
 اسماحان آتپا بر آمده و میخوانند با اور
 و فشار تابع آراء پوسیده خودشان بنایند
 و بنهاد - بک دود دل پس است - برای
 لبله ای - روشن شود هزار چراغ از
 فتنه ای می ترسند که موشتن خلق و
 مشت باز نمودن خاتمان و زردان دین
 به سیاست نابکارانه آنان بردن مسکن
 است بسیار نوجوانان تحصیل کرده که
 تربیت شده دست ایشان و هنوز چشمان
 بازند و در خواب نادان عیبی نرو
 و فتنه سرایت نموده و میدان خون و
 باعث شود که ایشان دیگر نتوانند اسب
 جهات خود را در میدان غفلت ملت
 با آرزوی خود برانند ، و از این رو است
 که با دلائل و لحن و تشویر افکار جدا
 در مبارزه و زد و خوردند -
 یکی از ابتکار های ایشان برای
 جلوگیری از این پیشامد بطلاد
 سرچشمه های گزینن به بیل
 چورهند نشاید گذشتن به بیل (۱)
 اینست که چند نفر از آقایان که
 پایه معلومات و عقل و سیاست و ارزش
 اجتماعی آنان از روز روشن تر است
 و در میان طبقه عوام کلا تمام که متاسفانه
 اکثریت بآنها است نفوذی دارند در
 هواری خود پی برده و عقیده مندند که
 سرچشمه نامه گوهستان است و از هیئت
 حا که تلگرافا خواسته اند که باییل یا
 سریزه آترو توفیق نمایند و چون وسیله
 ترساییدن ملت سقز پوسیده و غدیبه سقز
 شوب پیش آمده و منزل مرفوف است مار
 گزیده از ريسان میفرسد بسیاری از
 اهالی را هفتابانویس خسی و ادارا با منافی
 تلگراف نموده اند -

جاملان نکر میکنند
 که مگر روزنامه گوهستان راجه
 حائلی دیگری غیر از فکر روشن و اطلاع
 از تمدن و سیاست امروزه و آزادی زبان
 و نظم بوجود آورده است ۱ و از کجا
 سرچشمه می گیرد .
 مگر در زمان دیکتاتوری نیست
 ساله آقای د کاردلان و سایر مدبران
 محترم چرا بد بستر شده رسیده بودند
 و آتپا بلیه همرا و نویسنده گان
 پیشازی که در تمام روزنامه های پایتخت
 و شهرستانها اهماار و مقالات آنان منعکس
 میشود همگی پنج سال است از مادر
 زانیده اند .
 با لفرش باز و سر نیزه نامه گوهستان
 را هم توفیق کرده و زبان تمام مردم

مرتجعین سقز از پیش آمده اخیر
 آذربایجان و رفتن نیروی ارتش به بیاید
 فوق العاده سوه استفاده برده و باهتتاب
 و دستبرد هر چه نامش مشغولند که طبقه
 از جوانان روشن فکر اینجا که بیچاره
 ها از همه چیز و همه جا بلبیر و در
 اقلیت و افتد به تهمت اتصاب و تهاب
 حیزب دمکرات کردستان و غیره و تمام
 بر علیه دولت ترساییده و با انواع وسایس
 و تهدیدات و تهریبات در صدد خلع نمودن
 اسماحان آتپا بر آمده و میخوانند با اور
 و فشار تابع آراء پوسیده خودشان بنایند
 و بنهاد - بک دود دل پس است - برای
 لبله ای - روشن شود هزار چراغ از
 فتنه ای می ترسند که موشتن خلق و
 مشت باز نمودن خاتمان و زردان دین
 به سیاست نابکارانه آنان بردن مسکن
 است بسیار نوجوانان تحصیل کرده که
 تربیت شده دست ایشان و هنوز چشمان
 بازند و در خواب نادان عیبی نرو
 و فتنه سرایت نموده و میدان خون و
 باعث شود که ایشان دیگر نتوانند اسب
 جهات خود را در میدان غفلت ملت
 با آرزوی خود برانند ، و از این رو است
 که با دلائل و لحن و تشویر افکار جدا
 در مبارزه و زد و خوردند -
 یکی از ابتکار های ایشان برای
 جلوگیری از این پیشامد بطلاد
 سرچشمه های گزینن به بیل
 چورهند نشاید گذشتن به بیل (۱)
 اینست که چند نفر از آقایان که
 پایه معلومات و عقل و سیاست و ارزش
 اجتماعی آنان از روز روشن تر است
 و در میان طبقه عوام کلا تمام که متاسفانه
 اکثریت بآنها است نفوذی دارند در
 هواری خود پی برده و عقیده مندند که
 سرچشمه نامه گوهستان است و از هیئت
 حا که تلگرافا خواسته اند که باییل یا
 سریزه آترو توفیق نمایند و چون وسیله
 ترساییدن ملت سقز پوسیده و غدیبه سقز
 شوب پیش آمده و منزل مرفوف است مار
 گزیده از ريسان میفرسد بسیاری از
 اهالی را هفتابانویس خسی و ادارا با منافی
 تلگراف نموده اند -

انتخابات لرستان چگونه خاتمه پذیرفت ؟

نادر شاه استفاده میکنند و یک مشت
 لادالی بیچاره را در غل و غش میکشد
 بگویند آقایان با صند خراب نفر اهالی
 لرستان را بیچاره و بدبخت کرده است
 از سر آنان بردارید و با آنان حالی گشته
 که لرستان مستعمره نیوده و اهالی آن
 نیز از سیاهیان افریقا نباشند اینان
 نه لوگر و نه غلام از خرید کس هستند
 بلکه آقایانم از افراد منکبت بوده و
 حق دارند مثل سایرین در سانه قانون
 زنده گی نموده و هیئت گریسون میسر
 ستارین حلقی اوداع مشوش لرستان
 را با اهالی محترم مرئی نمایند .

فلاکته و حالیه هم تکرار میکنیم
 که سهم لرستانرا باید لفظ در مساوی
 آلام منکبتی منظور داشت بلکه باید
 توجه عاجل و فوری با وضاع آتپا نموده
 و پدربک دست با اصلاحات اساسی زده
 شود حاصل طوریکه سرکره قوا و صاحبان
 پادگانهای نظامی آن منطقه همواره
 مورد توجه است باید بوسیله فرهنگ و
 تسمیه بهداشت عمومی نیز دست کاشت.

زیرا و نایح شهریور ماه ۲۰ بخوبی
 نشان داد که یکی از اصول مهمه ترنی
 و بقاء مرجع است علم و فرهنگ میباشد
 خوشبختانه بطوریکه اطلاع یافته ایم
 کلیه پیشنهادات اصلاحی جناب آتپاسی
 کشاورز صدر نماینده لرستان مورد
 توجه اعلیحضرت همایولی شامتنامی
 واقع و جناب آتپاسی بصورت زیر نیز
 تصویب و اوامر لازم بکلیه وزارتخانه
 ها و ادارات دولتی جهت انجام تقاضای
 ضروری و اصلاحی ایشان صادر شده است
 مابرای اینکه از نوع این اصلاحات
 مستفسر باشیم با کمال خرسندی شرفیون
 راتقی کرده و امیدواریم آقای کشاورز
 صدر با بصویتی که در نتیجه جدیت
 و ذرات خویش دروایتند در میان کلیه
 اهالی خصوصا مشایر آتپا امر را کرده
 بتوانند صد مرتبه ملت پرگی بشود و هم
 اول را جهت اصلاح بهداشت و توسعه
 فرهنگ بردارند زیرا خود ایشان بمذلل
 در شهرستان پهنای لرستان که جمیت
 آتپا فرموده با صدهزار نفر است پیش
 از چند طیب آتپم در هیر خرم آباد
 وجود ندارد و معلوم نیست بیاران و
 مرضی همایر واپلان که هر کدام از
 یک الی ۲۰۰ کیلومتر با هم فرامشه
 دارند با هم و بساط نقیبه و نبودن راه
 هوسه چگونه و بسیه وسیله باید مصالحه
 و مدارا هوسه و مینظور خطر مالاربا
 و تراش را که صدی نموده اهالی آتپا
 را گرفتار و مبللا کرده اند چگونه باید
 بر طرف نمایند .

با لفرش باز و سر نیزه نامه گوهستان
 را هم توفیق کرده و زبان تمام مردم
 مرتجعین سقز از پیش آمده اخیر
 آذربایجان و رفتن نیروی ارتش به بیاید
 فوق العاده سوه استفاده برده و باهتتاب
 و دستبرد هر چه نامش مشغولند که طبقه
 از جوانان روشن فکر اینجا که بیچاره
 ها از همه چیز و همه جا بلبیر و در
 اقلیت و افتد به تهمت اتصاب و تهاب
 حیزب دمکرات کردستان و غیره و تمام
 بر علیه دولت ترساییده و با انواع وسایس
 و تهدیدات و تهریبات در صدد خلع نمودن
 اسماحان آتپا بر آمده و میخوانند با اور
 و فشار تابع آراء پوسیده خودشان بنایند
 و بنهاد - بک دود دل پس است - برای
 لبله ای - روشن شود هزار چراغ از
 فتنه ای می ترسند که موشتن خلق و
 مشت باز نمودن خاتمان و زردان دین
 به سیاست نابکارانه آنان بردن مسکن
 است بسیار نوجوانان تحصیل کرده که
 تربیت شده دست ایشان و هنوز چشمان
 بازند و در خواب نادان عیبی نرو
 و فتنه سرایت نموده و میدان خون و
 باعث شود که ایشان دیگر نتوانند اسب
 جهات خود را در میدان غفلت ملت
 با آرزوی خود برانند ، و از این رو است
 که با دلائل و لحن و تشویر افکار جدا
 در مبارزه و زد و خوردند -
 یکی از ابتکار های ایشان برای
 جلوگیری از این پیشامد بطلاد
 سرچشمه های گزینن به بیل
 چورهند نشاید گذشتن به بیل (۱)
 اینست که چند نفر از آقایان که
 پایه معلومات و عقل و سیاست و ارزش
 اجتماعی آنان از روز روشن تر است
 و در میان طبقه عوام کلا تمام که متاسفانه
 اکثریت بآنها است نفوذی دارند در
 هواری خود پی برده و عقیده مندند که
 سرچشمه نامه گوهستان است و از هیئت
 حا که تلگرافا خواسته اند که باییل یا
 سریزه آترو توفیق نمایند و چون وسیله
 ترساییدن ملت سقز پوسیده و غدیبه سقز
 شوب پیش آمده و منزل مرفوف است مار
 گزیده از ريسان میفرسد بسیاری از
 اهالی را هفتابانویس خسی و ادارا با منافی
 تلگراف نموده اند -

با لفرش باز و سر نیزه نامه گوهستان
 را هم توفیق کرده و زبان تمام مردم
 مرتجعین سقز از پیش آمده اخیر
 آذربایجان و رفتن نیروی ارتش به بیاید
 فوق العاده سوه استفاده برده و باهتتاب
 و دستبرد هر چه نامش مشغولند که طبقه
 از جوانان روشن فکر اینجا که بیچاره
 ها از همه چیز و همه جا بلبیر و در
 اقلیت و افتد به تهمت اتصاب و تهاب
 حیزب دمکرات کردستان و غیره و تمام
 بر علیه دولت ترساییده و با انواع وسایس
 و تهدیدات و تهریبات در صدد خلع نمودن
 اسماحان آتپا بر آمده و میخوانند با اور
 و فشار تابع آراء پوسیده خودشان بنایند
 و بنهاد - بک دود دل پس است - برای
 لبله ای - روشن شود هزار چراغ از
 فتنه ای می ترسند که موشتن خلق و
 مشت باز نمودن خاتمان و زردان دین
 به سیاست نابکارانه آنان بردن مسکن
 است بسیار نوجوانان تحصیل کرده که
 تربیت شده دست ایشان و هنوز چشمان
 بازند و در خواب نادان عیبی نرو
 و فتنه سرایت نموده و میدان خون و
 باعث شود که ایشان دیگر نتوانند اسب
 جهات خود را در میدان غفلت ملت
 با آرزوی خود برانند ، و از این رو است
 که با دلائل و لحن و تشویر افکار جدا
 در مبارزه و زد و خوردند -
 یکی از ابتکار های ایشان برای
 جلوگیری از این پیشامد بطلاد
 سرچشمه های گزینن به بیل
 چورهند نشاید گذشتن به بیل (۱)
 اینست که چند نفر از آقایان که
 پایه معلومات و عقل و سیاست و ارزش
 اجتماعی آنان از روز روشن تر است
 و در میان طبقه عوام کلا تمام که متاسفانه
 اکثریت بآنها است نفوذی دارند در
 هواری خود پی برده و عقیده مندند که
 سرچشمه نامه گوهستان است و از هیئت
 حا که تلگرافا خواسته اند که باییل یا
 سریزه آترو توفیق نمایند و چون وسیله
 ترساییدن ملت سقز پوسیده و غدیبه سقز
 شوب پیش آمده و منزل مرفوف است مار
 گزیده از ريسان میفرسد بسیاری از
 اهالی را هفتابانویس خسی و ادارا با منافی
 تلگراف نموده اند -

با لفرش باز و سر نیزه نامه گوهستان
 را هم توفیق کرده و زبان تمام مردم
 مرتجعین سقز از پیش آمده اخیر
 آذربایجان و رفتن نیروی ارتش به بیاید
 فوق العاده سوه استفاده برده و باهتتاب
 و دستبرد هر چه نامش مشغولند که طبقه
 از جوانان روشن فکر اینجا که بیچاره
 ها از همه چیز و همه جا بلبیر و در
 اقلیت و افتد به تهمت اتصاب و تهاب
 حیزب دمکرات کردستان و غیره و تمام
 بر علیه دولت ترساییده و با انواع وسایس
 و تهدیدات و تهریبات در صدد خلع نمودن
 اسماحان آتپا بر آمده و میخوانند با اور
 و فشار تابع آراء پوسیده خودشان بنایند
 و بنهاد - بک دود دل پس است - برای
 لبله ای - روشن شود هزار چراغ از
 فتنه ای می ترسند که موشتن خلق و
 مشت باز نمودن خاتمان و زردان دین
 به سیاست نابکارانه آنان بردن مسکن
 است بسیار نوجوانان تحصیل کرده که
 تربیت شده دست ایشان و هنوز چشمان
 بازند و در خواب نادان عیبی نرو
 و فتنه سرایت نموده و میدان خون و
 باعث شود که ایشان دیگر نتوانند اسب
 جهات خود را در میدان غفلت ملت
 با آرزوی خود برانند ، و از این رو است
 که با دلائل و لحن و تشویر افکار جدا
 در مبارزه و زد و خوردند -
 یکی از ابتکار های ایشان برای
 جلوگیری از این پیشامد بطلاد
 سرچشمه های گزینن به بیل
 چورهند نشاید گذشتن به بیل (۱)
 اینست که چند نفر از آقایان که
 پایه معلومات و عقل و سیاست و ارزش
 اجتماعی آنان از روز روشن تر است
 و در میان طبقه عوام کلا تمام که متاسفانه
 اکثریت بآنها است نفوذی دارند در
 هواری خود پی برده و عقیده مندند که
 سرچشمه نامه گوهستان است و از هیئت
 حا که تلگرافا خواسته اند که باییل یا
 سریزه آترو توفیق نمایند و چون وسیله
 ترساییدن ملت سقز پوسیده و غدیبه سقز
 شوب پیش آمده و منزل مرفوف است مار
 گزیده از ريسان میفرسد بسیاری از
 اهالی را هفتابانویس خسی و ادارا با منافی
 تلگراف نموده اند -

اگر دزدی نکنند اوضاع بهتر خواهد شد

رف و اوقاف کردستان همپایش
امسال رضایت بخش بوده و اندامانی
که در فرهنگ شده با توجه بشکلات
مالی هر یک در موع خود در این روز-
نامه منسک شده حال برای اینکه
خوانندگان را با حلیات اداره اوقاف
کردستان ندی آشنا سوده با هم چند
چند رقم از عمل کرد امسال اوقاف را
با مقایسه با سنوات گذشته ذیلا چاپ
می کنیم تا مردم متوجه گردند که اگر
عامورین صادق و امین در ادارات کار
کنند و دزدی در میان نیاورند درآمد
افزوده خواهد شد با پول هایی که به
صندوق دولت عاید می شود می توان
کارهایی کرد .

تلگرافهای گروس راجع به انتخابات

جناب اشرف آقای توام السلطنه
فصلت وزیر محبوب و روحیه کوهستان
انتخابات گروس که دوره های اخیر
بدون نظر و مداخله دولت صورت
نگرفته بود این موضوع برای مردم
گروس باور فکری مصوب می شد
اکنون بند از مدت ها برای اولین مرتبه
است که طبعه یک انتخابات آزاد
قانونی نمایان با جنبه بر طرفی و بی
غرضی که جناب آقای فرمانده روح جناب
آقای خانی باورس مستر وزارت کشور
در دعوت و تشکیل اولین نظارت بقصد
گرفت بطوری با آزادی و آرامش
این کار را انجام دادند ثابت کردند
منزبان مقدمه جناب اشرف و مصداق
واقعی بیایه و ایلابه های صادره در
باره آزادی انتخابات را کاملا مجری
سوده و خواهند نمود اکنون مراتب
امیدواری و سیاستگذاری خود را تقدیم
میداریم
پامضاء فریب ۱۶۰ هزار محترمین گروس
جناب آقای شیخ الحداد اورنگ در
وقت کوهستان اینجا بیان فامیل الوندی
بدینوسیله تمایل خود را نسبت به انتخاب
جناب عالی عرض توفیق حضرتعالی را از
حق تعالی خواستاریم
امضاء ۲۵ هزار

- ۱- رقم چند سوله ذکر می کنیم .
- ۱- قریه جامه هوران و بریتشه
قبل از ۱۳۲۵ اجاره اش سی هزار ریال
بوده امسال اجاره داده بیغ یک صد
و چهل و سه هزار و سیصد و سی
ریال .
- ۲- قریه عسکران قبل از ۱۳۲۵
مبلغ ۲۲۴۰ ریال اجاره وقت امسال
بمبلغ ۲۶۰۰ ریال .
- ۳- فوجان و کانی هیرین سابق
۲۸۰۰ ریال اجاره وقت امسال ۲۰۰۰
ریال .
- ۴- آسیاب مسجد حاجی ابراهیم
سابق ۱۵۰۰ ریال اجاره وقت امسال
۶۷۰۰ ریال .
- ۵- اراضی کانی مشکان سابقا
۵۵۰ ریال اجاره وقت امسال ۳۳۰
ریال .
- ۶- زمین سبزی دباغ خانه سابق
۵۶۵۰ ریال اجاره وقت امسال ۹۲۵۰
ریال .

اجاره موقوفه جات نامبرده بالا چندین
برابر شده است .
حال خیالی ساده است اگر بگوئیم
سال های گذشته مبلغ زیادی دزدیده
و غورده اند امیدواریم همانطور که تا
بحال حلیات فرهنگ و اوقاف رضایت
بخش و مورد توجه و تقدیر مردم بود
است .
غداوند بکارکنان بر نظر فرهنگ
توفیق دهد که خدمات مفیدتر و برجسته
تری انجام دهند .

ای هفت شاه معظم وی الوالمر زمان
دوم از پنج است و تالی اوده و دو نام تو
حلت خانوت و صدف و حلت خطت رام باد
حلت شمع حلت ابرائنه زب انصرت
حلت گیسو دار در بزم سر بر تواج کی
قاپود خانوت بنادر کنار حلت پشت
چشمه حلت اختر اندر ترفه های آنوس
چشمه شب بانو هرومان چمن ذوق و نشاط
ژاناب روی شه افزوده زمین ترفیع
حلت مکیال حافظ حلت و حلت و بنجت بود
بهازاران ربع و هفت و ستم فرزند زال
پادشاهها حسن تدبیر تو با تظیف بود
که بتسویف و کپی تصریف تا تظریف ده
تا بود ابراهیم از پیش در حلت راه
بار بار (حیران) بزمان کن دعا را مستجاب
حلت حلت شاه ایران بساد در کوب اسان

آگهی

جمع جوار صندوق پس انداز ملی اسان به
دو میلیون ریال الزامی داده شده و جایزه اول آن
۱۵۰,۰۰۰ است
از باز کردن حساب برای خود و فرزندان خویش قبل از پایان سال
غفلت نکنید
۲-۲
آ-۲

بازرگانی حسینیان در همدان

دفتر بازرگانی آقای سید حسینی مهابادی از تهران بهمدان منتقل
شده و در سرای حسین خانی افتتاح یافته شروع بکار کرده است
آقای سید حسینی که از بازرگانان صحیح العمل گرد میباشند در
همدان برای انجام هرگونه سفارشات و مراجعات بازرگانی و حق السلکاری
حاضر میباشند
از مراجعه بایشان غفلت نوزید
آ-۸
۷-۱۰

آگهی حصورات

تلی رشید بان در خواستی بدادگاه تقدیم که حیب بساطی مقیم مستندج
بلا اولاد متوفی وارث منحصرا به یک زوجه لقا خانم و یک دختر زاده صد صدین
بوده لقا نیز فوت کرده غیر از صد صدیق وارث نداشته صد صدیق هم مرده
وارث فقط تفر پدرش میباشد برای تبدیل سند مالکیت خانه ۱۴۸۵ بخش ۳ سندج
بنام خود صدور گواهی حصورات خواستار لدا مراتب ۳ بار متوالی در روزنامه
مجلس و کوهستان درج اگر کسی واخواهی یا وصیتنامه رسمی یا سری دارد از
قبل اولین آگهی نامه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی
آ-۲
۲-۳

آگهی حصورات

آقای دشتی و کالنا از طرف بانو مستوره آزاد پور در خواستی بدادگاه
بخش کردستان تقدیم که بانو لقا الودک آزاد پور دختر موکله مقیم مستندج فوت
نوده وارث او منحصرا بستوره خانم مادر و چهار برادر آقایان عباس - علی -
امین - کریم آزاد پور میباشد بستند گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده
وراث از کلیه ترکه متوفیه صدور گواهی حصورات خواستار شده لدا مراتب
سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و کوهستان درج مینماید اگر کسی وا
خواهی یا وصیت نامه دارد از قبل اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا
گواهی صادر میشود
رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی
۳-۳

اظهار امتنان و تشکر

بنسابت شروع سال سوم انتشار روزنامه کوهستان تشکرات
و نامه های زیادی از خوانندگان ارجسته ما رسیده که موجب
نهایت سیاستگری می باشد
بسی خوشنم که در مقابل زحمانی که برای انتشار این
روزنامه متقبل شده ایم این احساسات پاکو بر آرایش راه که گران
بها ترین غیره برای یک خدمتگزار جامعه است تعبیر داریم و
خود را بسیار سر بلند میدانیم که مورد مهر و مهربانی و زبانی
از علاسمندان به کوهستان واقع گردیده ایم

یاد فرد سال در گذشت شادروان پاسا آصف وزیر
بنسابت سال در گذشت شادروان پاسا آصف وزیر
بنسابت با مردم اسفند ماه پستی بنسبت آیده مجلس یاد سودی
مردانه و زنانه در منزل آفرحوم واقع در خیابان کلاخ گره
ناعد از ساعت ۳ به از ظهر برپا خواهد بود

تاج فیروزه مبارک باد با نعت روان
شد لکین دان ز مرد خام و الا نشان
تا طر تاج سندان بر سر حلت آسان
حلت چتر آگون اذ سع هدر مر نشان
با بنات انمش و نشان با نرای لیلان
بهر پیروزی و افشان زهره با سه مو هر ان
خوبه پروین و عطیهای تر با از نشان
کف زان گیسو نشان سرمست چمن نشان
تشت سپین است نور او ز غاتون چهار
چارینت و اگدا حلت مرد حلت خان
گر مو فتن برد ز روین و فتح حلت خون
شد مسخر جادو و دیوان آذوب ایمن
قلع و نبع خصم با لوری شاه گاریان
باد بدین تو شاهها در بلا ز اولان
بار بار (حیران) بزمان کن دعا را مستجاب
حلت حلت شاه ایران بساد در کوب اسان

کوهستان

پلم آناه جلال طاهری

روزنامه کوهستان یکتا مدافع حقوق گروم است
ثبث هیچکس نمیتواند اثر کلام حق را در قلب پالت مردم گروس خشی کند

شما همای جانانرا و حیات بشری که از کلام و بیان دل بر میخیزد و خورد خوردانی که ابراز حقیقت و تداوم گرو و اقیانوس عالم آمل و اصلاح فرد و جماعت بر پا میسازد همچنان نور و ستاره رو برداشته، آفتاب عالم تاب بر هر پاره برزن نروغ بی دروغ خود را از زانی می داند و بر بشارگاه دل دوستو سر بر لب دهن نور صبر و الفت می باشد... تداوم حقیقت و ابراز مقصودی که از حق یک دل مشتاق و بی وسای مسئله هستی پیوسته می گیرد در درون دل مشتاقان اثر جبری میبندد می کند که هیچ ابر معتد و تند باد نرسد و غرضی از طرف بداندیش نرسد چو کبری مخالفت آنرا ندارد... هر فرد آسانی که دارای لغات و غمخیزان نوع دوستی باشد دوش و مقصودش متوجه بیان واقع و حقیقت است و جز این نیست، ای بسا مثل و اجتناعات وسیعی که بواسطه خاموشی نورایمان و حقیقت در جسم اندر اهلان، سکنه عظیم و هولناک ظلمت دروغ و وبا برادی فلاکت خواه انداخت و ای بسیار پدیده های بزرگ زمین مثل که بواسطه سرپیچی از او امر قلبی و احساسات مغز اجناسی در خاک شفت و مذلت زانو زده اسم خود را از تارک انتظار و عظمت زمان محو کرد در کلام حقیقت و بیان واقعیات اثری است که هیچ پرده شک روان فکاسی و عالم معرفت الروح نمی تواند ماهیت آنرا تشخیص دهد جز اینکه هر کس رجوع بقلب خود کرده و از معن اساسات و حوائف خویش گنبد افتتاح باب این مهبول را بدست بیارد

نظرهای کوتاه بین و فکر و منزه ای طبل و میوب افرادی که در جاسه بخت قدم بهره از سن حقیقت گوئی و اشیاء در دام دروغ و ربا، تاب شنیدن و دیدن سابقین را ندارند همچون آن مرغ کور که چشمش فروزان شورید نا سزای گوید به هوا ملو است گو و درست کرد از هرزه درانی کرده پند نا سرا گفته و میخواهند با منوش کردن سطح افکار جامعه و بد گوئی به فتناس پاک و صالح از آب پنخ خود عامی مقصود بگیرند و مردم آسانهای سال از توجه به واقعیات دور سازند بسیاری از درستان گروسی دور بر خورد با من تداوم این نکته می دهند که از تمسب و جبر آن آوری مطالب کوهستان در گروس نبوده که همه کسی از خود می پرسد چه عاملی در اینکار مونز گردیده است چه شده است که حس احترام وانی و کاملی نسبت باین جریده منطقی و راستگو در میان مردم گروس نا آینه چه ابراز میگردد؟ ما پیش از

آبویان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال
تکرر شش داخله ۴ ریال
خارج ۲۰۰ ریال
جای اداره خیابان فردوسی رویروی بانگ ملی تلقی ۲۶۵۷

را با پول کور میگرد جز روزنامه کوهستان روزنامه هم بود که از گروس لاس برده و پایدی بکند، بعد از و جهان و هرات قسم بود و مردم گروس هم میدادند که نبود و فخر او بود... ما اعتیاد به تداوم خدمات خود نداریم ما کسبه ندوخته ایم که منافع مادی کسب کنیم ما چون نرود گروس هستیم که به خرج گروس تحصیل کرده اسم وظیفه داریم خادم آتیا با همیم و مردم و آتیا را از گروا می نجات بدهیم و سیاسی خدای را که تا امروز بسیار بسیار بگوری چشم دشمن بگروس خدمت کرده ایم و از همان حاشیه را روشن کرده و در آینده هم با تأییدات الهی بازم خدمت خود را ادامه میدهم و همان طور که گروس بطرز محسوس تکیان خورده است بیشتر به دستخیز آتیا کمک خواهیم کرد، البته هر کس که رستخیز مردم گروس به مزاجش سازگار نیست با ما خوب نیست و باید هم فایده هر کس که می خواهد در گروس اساسی از ترقی سطح فکری باشد باید با ما دشمن باشد - اساسی از بهداری و معارف و تربیات ضروری زندگی با فایده باشد با فتنش بدهد و ناسزا بگوید... باید این چنین آدمی به ما که مدافع هیچ حقوق موضوعه و طبیعی برادران خود در کوهستان قسم کلمات زشت و رکیک نیست بدهد و ناسزا های بازاری که از شان یک روزنامه با آبرو و هراقتند خیلی دور و جزو ضروریات یک روزنامه می خوانند و کثیف و بدنام است در مقاله اساسی خود تار ناید.

ما شوخو کنیم که علی رغم تمام مسائل و کارشکنی های دشمنان شتوالت ملی و قومی و هر برابر شده و بیرنگ تمام عوامل فساد و بدبختی که در راه نامشروع اشاعه اکاذیب قدم گذارده بودند با کمال تهور و ایستادگی مبارزه کنی و با قطع مبین در درجه اول گروس در درجه دوم محقق کرده و میکنیم، بهیچین علت واضح و آشکار است که مردم گروس مبارزین خود را از دل جان دوست داشته و زحمت آنها را فراموش نکرده و از خداوند طالب توفیق آنها هستند.

مردم لیب گروس از هر کس بهتر دوست و دشمن خود را می شناسند و با ادب و بی ادب و تشتملی میدهند -

در گذشت شادروان ستوان آتیی

بطوریکه از کردستان اطلاع میدهند ستوان آتیی فرزند آیت الله مردوخ در از اصابت تیر سمث مجروح و برای جلد جراحی حرکت داده میشود پس از ۲۴ ساعت ستوان آتیی در قانی وادوای آن مرحوم به تنتج هل و با تشرفات نظامی بجاک سپرده میشود کوهستان - نصیحت وارده و ایسوم شافواده آن مرحوم و معده تالی آیت الله تسلیم میکنیم

آگهی

اگر میخواهید لراجه خصوصی و آگهی های شما در روزنامه چاپ شود باید هزینه چاپ آنرا از سال فرماتیه فقط شش ماهه بپردازید و در صورتی که بخواهید و سید تعیین هزینه چاپ لراجه خصوصی با دفتر اداره روز